

کوچ پدر ایرانشناسی به سرای باقی

عطر نثر اسلاف را داشت، از دیگر هنرهای او بود. بی شک نسل جدید به نثر او که خود ژانری متفاوت و خاص بود، به دیده عنایت و رعایت خواهند نگریست.

در این باره که چگونه استاد افشار شجره طیبیه معرفت را با آب زلال لایزال عشق به احیای مواریت گذشتگان و معرفی آثار و مآثر فرهنگی ایران آبیاری کرد و خداوند حیات طیبه را ارزانی او نمود و نیز آنچه از خیرات علمی پیشاپیش به سرای باقی فرستاد و مأوی جاوید را پیش خرید کرد، سخن بسیار توان گفت. او مصداق «وجعلنی مبارکاً» بود که چنین عمر بابرکتی داشت. از هر دقیقه و ثانیه‌ای استفاده می‌کرد. فیشهای او از هر کاغذ سفیدی بود: از بریده روزنامه گرفته تا پاکت سیگاری که دوستانش می‌کشیدند. از هر مطلب مفید و مرتبط با طرحها و کارهایش فیش می‌نوشت و در هر نشریه مناسبی که می‌شناخت به چاپ می‌سپرد. بیش از یک هزار نکته و دقیقه نسخه‌شناسی و ایرانشناسی و... را در بخارا و گزارش میراث و نامه بهارستان و جهان کتاب و میراث شهبان منتشر کرد. عده زیادی به عشق دیدن و خواندن مطالب استاد افشار به این نشریات علاقه‌مند شدند.

هر یک از زمینه‌های کاری او و دستاوردها و رهاوردهای سفرهایش همه در خور تأمل و توجه است. او مردی ذوفنون بود و آنچه خوبان همه داشتند یکجا داشت. به قول منوچهری دامغانی:

خجسته ذو ففونی رهنمونی

که در هر فن بود چون مرد یک فن

انتشار مجله‌های آینده، فرهنگ ایران‌زمین، نشریه نسخه‌های خطی، پژوهشهای ایرانشناسی، کتابداری و

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران

کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

استاد ایرج افشار در روز شانزدهم مهرماه (روز جشن مهرگان) سال ۱۳۰۴ از مادر زاده شد و روز چهارشنبه هجدهم اسفند ماه ۱۳۸۹ در سن ۸۵ سالگی، با فرهنگ جهانی ایران و جامعه فرهنگی ایران وداع کرد. روزی که ابر بهاری با شتاب به پیشواز آمد، سنگ نالید و آسمان به تسلی خاطر دوستان قدیم و جدید او گریست.

بی‌گفت‌وگو استاد ایرج افشار دست کم در یکصد سال اخیر با اوصاف عدیده‌ای که بدان متصف و متحلی بود، بدیل و نظیری نداشت. نه تنها از لحاظ کمیت و کیفیت آثاری که از خود به جای گذاشت، که با منش و اخلاق و فروتنی و شاگردپروری و شیفتگی و شیدایی به کتاب و فرهنگ ایران زمین، جان بسیاری از علاقه‌مندان تشنه‌کام این عرصه را سیراب و جوانان بی‌شماری را با فرهنگ ایران و آثار و مآثر و مواریت مکتوب فرهنگ و تمدن ایران و اسلام آشنا کرد. او به مصداق «آب کم جو تشنگی آور به دست» احساس عطش را در رهپویان دانش ایجاد می‌نمود. من و امثال من اگر چیزی در باره استاد افشار بگوییم یا بنویسیم، چه سخن به اغراق بگوییم، چه ره تفریط بوییم، باز در حق او ستم روا داشته‌ایم و نخواهیم توانست حق او را چنان که باید و شاید، ادا کنیم. نوشته‌های او در باره مرگ اعظم عصر خود که با آنان حشر و نشر داشت و از دانش و آموخته‌هایشان به نیکی بهره جسته بود، گویای این حقیقت است. خوشبختانه صاحب ذوقی آنها را گردآوری کرد و با مقدمه‌ای از ایشان به چاپ رساند. قلم شیوا، زیبا، فاخر و خوشخوان او که

ماهانمۀ راهنمای کتاب که خود در آن به نقد و معرفی تازه چاپها می‌پرداخت و گاه مقالاتی بلند می‌نوشت و با طرح اقتراح و نظرآزمایی، با اهالی فرهنگ و اصحاب قلم به گفت‌وگو می‌نشست، در تاریخ یکصد سالۀ ایران کم سابقه است. شاید او دو مجلۀ آینۀ میراث و گزارش میراث را در همان راهی می‌دید که خود سالها عمر عزیزش را مصروف آن کرده بود. در آخرین دیدارم که تقریباً یک هفته قبل از سفرش به خانۀ ابدی بود، سه بار دربارۀ گزارش میراث سخن گفت و از آن ره لطف به نیکی یاد کرد و گفت به منزل برسیم یکی دو مطلب برایتان کنار گذاشته‌ام که منزل نرسید و به سرمنزل مقصود کوچید. استاد حدود ده نشریه را مدیریت کرد. شرح فعالیت‌های مطبوعاتی او را سید فرید قاسمی در کتاب (۱۲۰۰ صفحه‌ای) ایرانشناسی مجله‌نگار آورده است که مشتمل نمونه خروار است. به قول سنایی:

سالها باید که تا یک سنگ اصلی زافتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

استاد افشار بیش از سیصد کتاب و رساله را تألیف و یا تصحیح نمود و حدود سه هزار مقالۀ کوتاه و بلند و گزارش سفر و سرمقاله را در زمینۀ‌های ایران و ایرانشناسی، کتاب و نسخه‌شناسی، تاریخ و فرهنگ ایران تألیف کرد. یکصدوبیست مقدمه بر کتاب دیگران نوشت و با این کار بهترین تشویق را برای تداوم و بهبود کار کرد. نوزده مجموعه را نظارت و مدیریت کرد و ۶۴ مقاله به زبانهای دیگر نوشت. آلمانی و روسی و فرانسه و انگلیسی را می‌دانست و متون عربی را می‌خواند و از مشورت دوستان در این باره بهره می‌جست.

و اما در تصحیح متون. می‌دانم کسی به قدر او کار نکرده و البته کار ناکرده بسیاری هم در دست داشت: بیش از سی کتاب و رساله. و در این یک سال اخیر که آهنگ رحیل را به فراست فهمید، تعجیل را روا دید و بر گرد کردن نیمه‌تمامها کوشید و هر یک را به اهلی سپرد و آنچه در دست چاپ نزد این و آن داشت، بیش از گذشته سراغ آنها را می‌گرفت. فکر می‌کنم حلاوت دیدن یک اثر، کم از شب پادشاهی نیست و او بیش از همه توفیق چنین التذاد معنوی را در این دنیا چشید.

چندین کار را با میراث مکتوب پیمان کرد. از آن میان، دستورالجمهور و آداب‌المضیفین و جامع‌الصنایع او امسال از چاپ در آمد و مسرت و شادمانی استاد را در

پی‌آورد. رسالۀ عهد حسام زیر چاپ ماند، و کتاب کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی را که با نشر فهرستگان قرار داشت، پای فشرده تا باز پس گیرد، بلکه زودتر منتشر شود. دریغا وقتی خبر چاپ این کتاب رسید که ناگهان بانگ برآمد که جان استاد از کالبد برون شد. اما هدف او نشر آن بود برای همۀ ایرانیان و علاقه‌مندان به ایران، تا بدانند کاربرد کاغذ در فرهنگ ایرانی بیش از ملل دیگر بوده است. مگر نه این است که «ان آثارنا تدل علینا» پس چه سندی بهتر از اینکه ما نشان دهیم کتاب و نسخه و قلم و کاغذ در چه طیف درازدامنی در فرهنگ ایران اسلامی مورد توجه و بهره‌برداری بوده است و این از جمله خدمات استاد بود که هر اثر و کتابی را که می‌خواند و در آن مطلبی در بارۀ کاغذ بود، در فیش‌دان مخصوص قرار می‌داد تا روزی به چاپ برسد.

اگر این‌ندیم در الفهرست بیش از هفت هزار نسخه را در قرن چهارم دید و شنید و شناساند، و از امثال مداینی بیش از دویست کتاب و رساله برشمرد، امروز فرهنگ ایران اسلامی در دامن خود فرزندان چون ایرج افشار تربیت کرده و خواهد کرد که فهرست آثارشان کتابی مستقل شده است.

کتاب فهرست موضوعی چاپ‌کرده‌ها و نوشته‌های ایرج افشار که در سال ۱۳۸۲ در چاپخانۀ پرینت آپ لس‌آنجلس در ۱۶۰ صفحه به کوشش فرزندانش چاپ شد، گویای حقیقتی است که عرض شد. سید فرید قاسمی هم مابقی فهرست چاپ‌کرده‌های استاد را تا پایان سال ۱۳۸۸ در ایرانشناسی مجله‌نگار آورده است. امید است تتمۀ آن تا لحظۀ پرواز استاد را هم بنگارد، تا معلوم شود این نادرۀ دوران چه توفیقی در فرهنگ آفرینی و تولید علم و ترویج علوم انسانی و احیای میراث مکتوب ایران اسلامی داشته است.

اکنون که استاد افشار از میان ما رفته، طنین صدایش، حرفهایش، پندهایش، رهنمودهای سودمندش، خنده‌هایش، و نگاه نافذش، از ذهنم بیرون نمی‌رود و همچنان با من سخن می‌گوید.

روحش شاد و روانش قرین رحمت و مغفرت لایزال رحمة‌للعالمین باد.

آنچه آمد بر زبان با آنکه حرفی بود و بس

معنی یک دفتر و مضمون صد طومار بود

محتشم کاشانی



گزارش میراث